

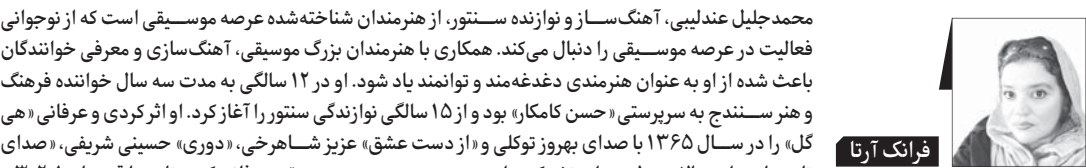


عکس: سار سید الهی/موسیقی ما

فراز و فرود موسیقی ایران طی سال‌های گذشته در گفت‌وگو با محمد جلیل عندیلبی

۲۰ سال پر آشوب در عرصه موسیقی

هر چه سریع‌تر باید برای آزادی موسیقی و فرارش از اسارت کاری کرد



فرانک آرتا

پیام عزیزی و حسام لرزاد و «با قدسیان ۴» با صدای جمیل خالدي، «تنگ شکر» با صدای احمد کامیار و آلبوم موسیقی «صدای بی‌صدایی» با صدای رسول شریفی، از دیگر آثار اوست. پروژه معرفی خوانندگان جدید و احیای موسیقی ملی معاصر، پروژه‌ای است که این روزها مشغول آن است. برای آشنایی بیشتر با این حرکت با محمد جلیل عندیلبی گفت‌وگو کرده‌ایم.

- این روزها مشغول چه کاری هستید؟**

قبل از هر چیز باید بگویم خدا را شاکرم که صحیح و سالم هستم و در عین شلوغی بازار و گرفتاری‌های روزمره، شکر خدا در سلامتم و می‌توانم کار کنم. بابت آرامشی که دارم شکرگزار هستم. این روزها مشغول فکرکردن، خدمت به موسیقی اصیل ایرانی و معرفی چهره‌های خوب، هنری و خوانندگانی هستم که از ۴۵ سال پیش تا امروز به دنبال آن بودام. آنها همچون میوه‌ای رسیده هستند که باید معرفی شوند. من به سهم خودم با اینکه دست‌تنها هستم، واقعا دلم برای این همه جوانان خوب می‌سوزد. دست‌تپا ولی خوشبختانه به لطف خدا و کمک‌ها و یاری‌های همسر که هنرمند هستند، کارهای فراخوان و هنری‌ام را پیش می‌بریم و از ایشان بسیار ممنونم. من سال‌هاست دغدغه موسیقی ملی-معاصر را دارم و حتما اگر آثارم را مرور کنید، دریافت‌اید که همیشه سعی کرده‌ام موسیقی فاخر و فرهنگ و هنر ایران‌زمین را تعالی ببخشم.

- چه خللی در وضعیت موسیقی معاصر دیده‌اید که خودتان یک‌تنه وارد عمل شدید و دارید کاری در خور انجام می‌دهید؟**

متأسفانه سال‌هاست موسیقی ما مریض و در بستر بیماری است و علت آن حمایت‌نکردن متولیان امر موسیقی است که رسالت ذاتی خود را به سرانجام نرسانده‌اند؛ چون ظاهرا به نظر می‌رسد اندیشه‌ای برای حمایت از موسیقی ندارند و البته منظوم از متولیان، صداوسیما و وزارت ارشاد است و به دنبالش حوزه هنری سازمان تبلیغات که متأسفانه نمتنها هیچ کمکی نکرده‌اند، بلکه تخصصی هم با این موضوع برخورد نداشتند‌اند و فقط خدا می‌داند که این وضعیت اسف‌بار به کجا خواهد رسید. همان‌طور که می‌دانید موسیقی، هنر اول در میان هفت هنر است و تابلو و تجلی‌گاه هنر ایران‌زمین است. اما متأسفانه به‌خصوص در ۲۰ این سال اخیر، آشوبی در عرصه موسیقی به‌پا شده و پر از تزلزل است. واقعا من نگران قداست موسیقی فاخر هستم. نگران این الهام الهی هستم که در وجود هنرمندان دردمند قرار داده است. به عبارت دقیق‌تر ودیعه‌ای است که خدا برای آرامش بشر- در اختیار طبیعت و انسان‌ها قرار داده تا همگی از آن بهره ببرند. یعنی در حقیقت خدای هنرآفرین، موسیقی را خلق کرد تا بشر برای تغذیه روحی خود از آن استفاده کند، اما متأسفانه در حال حاضر موسیقی ما حالش خوب نیست! هرچه سریع‌تر باید برای آزادی‌اش و فرار از این اسارت فکر و اندیشه‌ای کرد. من واقعا نمی‌دانسم متولیان چه کار می‌کنند که این بچه مریض را بتوانیم تیمار کنیم. بحث‌ها درباره موسیقی امروز زیاد است، اما گو گوش شنوا.

- شما در زمینه کمک به هنرمندان جوان موسیقی دقیقا چه کار می‌کنید؟**

آن‌موقع که خودم جوان بودم، یعنی وقتی ۲۴، ۲۲ سالم بود، آثاری مثل «میهن» با زنده‌یاد محمدرضا شجریان و بعد در کنسرتی با رضوی‌سروستانی اجرا کردیم. با خانم پریسی عزیز در زمینه موسیقی بانوان همکاری کردم که متأسفانه هرچه ساختیم بایکوت شد. به نظر موسیقی بانوان مقوله خیلی مهمی است که متأسفانه نیمی از جمعیت ایران که زن باشند، مورد توجه قرار نگرفته‌اند! خب آن‌موقع من جوان بودم و اولین آثار موسیقی سنتی ایران را در سال ۱۳۵۹ با آقای شهرام ناظری به اسم «شعر و عرفان» ساختم و برایشان «بی‌قرار» و «بنمای رخ» را ساختم. من در عین اینکه جوان بودم، به جوانان هم کمک کردم. آن زمان آقایان ناظری و افتخاری همه جوان بودند. شکر خدا لطفی که من به من داشته از همان سنین پایین دغدغه موسیقی جوانان ایران‌زمین را داشته‌ام و خدمت‌تان عرض کنم برای اینکه به این سؤال شما پاسخ بدهم که برای ارتقای موسیقی جوانان من چه کرده‌ام، باید برگردیم به کل

هدررفت ثروت‌های ایران

ادامه از صفحه اول

۱- قیمت سه میلیون هکتار جنگل تراشیده‌شده چقدر است و سالانه چه تعداد تراشیده می‌شود و از بین می‌رود؟

۲- قیمت آب‌های زیرزمینی هدررفته چقدر است؟ قیمت آب‌های آلوده کارون و بقیه رودخانه‌ها چه مقدار است؟

۳- قیمت دشت‌ها و زمین‌های نشست‌یافته چقدر است؟ و قیمت آنچه در روی زمین به آن خسارت وارد شده یا خواهد شد چقدر است؟ قیمت آثار تاریخی که در معرض تخریب است چه مقدار است؟

۴- قیمت آدم‌های مهاجر از ایران به‌خصوص پزشکان، مهندسان و دیگر نخبه‌ها چقدر

است؟
۵- قیمت میلیون‌ها نخل خشک‌شده چقدر است؟ آب دریای عمان را با هزارو ۵۰۰ کیلومتر لوله‌کشی به خراسان می‌بریم و نخل‌های میناب و شادگان در کنار رودخانه و دریا در حال

مناسب حال و روز ماست که با صدای گرم و آسمانی همسر نگین ضیایی است تا کسی نتواند ایراد بگیرد و این راه را گشوده‌ام و حدود ۲۰ اثر در این مدت سه سال کار کرده‌ام.

- درباره حضور و ظهور چهره‌های جدید خوانندگی مخصوصا در سال‌ها و دهه‌های گذشته بیشتر بگویید؟**

بعد از انقلاب در اوج موسیقی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خوشبختانه شاید ۷۰ درصد خانواده‌ها به یادگیری موسیقی چه ساز و چه آواز را آورده‌اند. بدون اینکه برنامه‌ریزی برای آنها از سوی متولیان رسمی موسیقی انجام پذیرد و به‌دور از هرگونه حمایتی توسط دولت، خودتان می‌دانید متأسفانه موسیقی فاخر همیشه بی‌حمایت بوده و از ۴۵ سال قبل ما هرکاری کردیم بدون حمایت و خودجوش انجام دادیم. البته در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ واقعا صداوسیمای ملی خوب عمل کرد. ما آثاری که می‌ساختیم مثل «شکوفه‌های جاویدان»، «کیش مهر» و آثار استادان محترم از طریق رسانه‌های جمعی مرتب به گوش مردم می‌رسید. اینجا عملکرد خوبشان جای تشرید دارد. بعدها در دهه ۷۰ برخوردها توسط واحد موسیقی رسانه ملی شروع شد که حداقل یک موسیقی بازاری مثل پاپ – سنتی آمد که خوراک جوانان باشد که متأسفانه همه‌چیز را تضعیف کردند. من در این ۲۰ سال واقعا این دغدغه را داشتم، چون به‌عینی می‌دیدم واقعا این موسیقی ما به بیراهه رفته و ندانسته عزیزی‌ان که سرمدار موسیقی آوازی ایران بودند، آنها هم کمک‌م به بیراهه رفتند.

- مثلا چگونه؟**

مثلا در زمینه موسیقی ارکستراسیون ایرانی، سازهای غربی وارد کردند که آن هم به بیراهه رفت. درحالی‌که ویولن‌سل و پیانو سازهای ایرانی نیستند. اما من واقعا این دغدغه را داشتم که چه‌کار می‌توان کرد. خب همان‌طوره‌که می‌دانید دو، سه سال شیوع کرونا چالش‌های زیادی ایجاد کرد. باین‌حال تلاش کردم از آن فضا استفاده کافی ببرم، چون موسیقی تنها سرگرمی و فرصتی بود که مردم عزیز می‌توانستند در خانه آن را بشنوند و وقتشان را پر کنند. اینجا لازم است به فضای مجازی اشاره کنم مثل اینستاگرام. واقعا فضای مجازی با تمام ضررهایی که برای فرهنگ و... داشته و اینکه هرکسی هر مطلبی می‌گذارد- که من هم اوایل مخالف آن بودم – ولی در آن سه سال فهمیدم که می‌شود از اینستاگرام استفاده صحیحی هم کرد و بعد صفحه شخصی خودم را باز کردم و از این طریق یک‌تنه جنگیدم و در این صفحه شروع به معرفی چهره‌های جدید در خوانندگی کردم. از طریق نظرات مردم در زیر پست‌ها متوجه شدم که ۷۰ درصد خانواده‌ها طی این ۴۵ سال موسیقی یاد گرفته‌اند. پخته شدن و به‌ویژه در بخش خوانندگی چه صداهای خوبی وجود دارد. مثل میوه‌های رسیده که اگر به‌موقع جمع نشوند، می‌کنند! پس باید به آدانشان می‌رسیدم. باین نگاه معرفی این افراد را شروع کردم. می‌خواستم اهدافم را که همانا خدمت به موسیقی است، عملی کنم و به این جوانان کمکی کرده باشم.

- روند این فعالیت چگونه بود و آموزش اصولی چه جایگاهی در این فعالیت داشت؟**

خیلی از خوانندگان مراجعه می‌کردند و می‌گفتند شما کلاس‌ای آموزشی برگزار نمی‌کنید. حقیقتا این درخواست‌ها من را بر این داشت که اول از طریق صفحه شخصی‌ام این کار را یک‌تنه شروع کنم. فراخوان دادیم. سپس استقبال شدیدی شد.

- معیار‌تان برای معرفی خوانندگان جوان چه بود؟**

اول اخلاق‌مداری، سلامت جسم و روان و دوم که مهم‌تر از همه بود صدای خوب بود؛ یعنی صدای پخته و خاص. چون متأسفانه در این ۲۰ سال تمام خوانندگان شبیه یک نفر می‌خوانند. هرکس که در باز می‌کرد، شما فکر می‌کردید زنده‌یاد محمدرضا شجریان، خسرو آواز ایران هستند! که خب این بزرگ‌ترین صدمه بود. خودتان می‌دانید که آهنگ‌ساز زحمت خودش را می‌کشد، اما خواننده مجری است. خواننده، ویرین اثر من است، من طبق تجارب گذشته‌ام خیلی حساس شدم درباره معرفی برخی از خوانندگان که واقعا اخلاق‌مداری را رعایت نکرده‌اند. مشهورشان کردیم و با یک اثر – اسم نمی‌آورم – ولی بعد شروع به سوءاستفاده و نمک‌نشاسی کردند و من با تجربه چندین ساله‌ام به این نتیجه رسیدم که نباید هر اثری را خلق کنم و به خواننده‌ای بی‌تجربه و قدرشناس بدهم. چون رعایت اصول انسانی مهم است. اما بعد از شهرت، بی اخلاقی می‌کردند و بعد ایراد از من می‌گرفتند که چرا نعمتی که خداوند به شما داده، در اختیار فلان خواننده‌ای قرار دادی که از شهرتش سوءاستفاده می‌کند؟ به همین دلیل در معرفی چهره‌های جدید اول اخلاق‌مداری و قدرشناسی را لحاظ کرده‌ام تا از محبوبیتشان حسن استفاده ببرند.

لازم است به این اشاره کنم که واقعا یک‌تنه چنین کاری را انجام دادم که البته اول لطف خدا بود و بعد کمک‌های همسر در تدوین فراخوان و پیگیری‌های ایشان کمک‌رسان من بود. همچنین باید تشکر کنم از پژوهشگر خوب ادبیات و موسیقی جناب آقای علیرضا پورامید و آقای محمدرضا ممتاز و احد که واقعا از طرح معرفی فراخوان از خوانندگان و طرح احای موسیقی ملی معاصر از من حمایت کردند و دیگر هیچ‌کس و رسانه‌ای از من حمایت نکرد! تا الان هم آقایان رضاصلواتی در موسیقی اصیل کردی، محسن حیدری‌فروز با اثر «فراق»، صلاح ملاسنی، با اثر «غریب خسته» و احمد کامیار با اثر «تنگ شکر» و همین‌طور استاد حمیدرضا نوربخش با اثر مژده که غم ایام به سر رسید در کنارم بودند که دوست خوبم آقای نوربخش دارند خدمت می‌کنند و سال‌ها مدیرعامل خانه موسیقی هستند و قدم‌های مفیدی برداشته‌اند. با آقای مصطفی عارف و به‌خصوص هنرمند سینیگار خوب آقای قربان ناظمی که روایت تازه‌ای با آلبوم ماندگار با صدای استاد شهرام ناظری کردند به اسم «بی‌قرار وطن». با آقایان سید مسعود موسوی، آرش حسین‌پناهی و مدبر سلیمانی، با پوزش اگر اسم کسی یادم رفت. باید این را هم بگویم که معرفی خوانندگان جدید از تمام شهرهای ایران بوده و فقط مختص تهران و پایتخت نبوده است. در هر صورت اگر به صفحه شخصی‌ام مراجعه کنید خوشبختانه می‌بینید که استقبال از این حرکت خیلی زیاد است. در هر فراخوان، خوانندگان زیادی مراجعه می‌کنند و تاکنون سه فراخوان منتشر کرده‌ایم. سعی هم می‌کنم با وسواس و براساس سابقه آهنگ‌سازی‌ام هر خواننده‌ای را مشهور نکنم. باید بگویم بعد از اینکه خوانندگان انتخاب می‌شوند، قراردادی بسته می‌شود و باندید پول ناچیزی از آنها گرفته می‌شود. این عزیزان صداهای بسیار خوبی دارند که اگر من آنها را معرفی نکنم، ناامید می‌شوند و کنار می‌روند، چون الان هرکدام به ۴۵سالگی رسیده‌اند. ضمن اینکه باید همیشه حواسم جمع باشد که سرم را زیاد شلوع نکنم تا با وسواس کارنامه درخشان من خنده‌دار نشود. من شاکرم که خداوند به من لطف کرده که به خاطر پول هر کاری نکنم. درست است که این جوانان پول ناچیزی می‌دهند که آن هم خرج هزینه‌های سرسام‌آور اجاره استودیوها می‌شود که ساعتی ۵۰۰ هزار تومان و همین‌طور نوازندگان برای هر پارت ناوختن یک میلیون تومان دستمزد می‌گیرند. شاید برای هر اثری نزدیک ۱۲، ۱۰ تازنده حضور دارند. شاعر هم دستمزد می‌گیرد و همین‌جا باید بگویم مقداری جزئی هم برای من باقی می‌ماند. همین‌جا هم اعلام می‌کنم که همه‌چیز شفاف است و عندیلبی فقط برای کمک به فرهنگ ایران همه این کارها را انجام می‌دهد. در حقیقت زکات هنرم را اینجا می‌دهم و زکات هنرمندان این است که لطفی که خداوند به من هدیه داده برای خلق موسیقی، از این طریق در اختیار مردم قرار می‌دهم. ان‌شالله هرکدام از این جوانان بازودی استان آواز ایران می‌شوند و این بزرگ‌ترین افتخار برای من است.

تلاشم این است که آواز این عزیزان را با ارکستر موسیقی متعارف سنتی با همان سازهای مظلوم موسیقی ایران مثل تنر، کمانچه، نی، تنبک، سنتور و עוד خودمان تهیه کنم که اصل جریان موسیقی ماست. سنتی‌ترین تطبیق تک این فاخر با سازهای محدود اصیل ایرانی بسیار مشکل است؛ یعنی آن‌قدر آهنگ‌سازی و انتخاب شعر باید درست باشد که از این سازهای ایرانی جواب بدهد و ارتباط برقرار کند. در هر صورت سند گویای این تلاش‌ها صفحه شخصی پنده در فضای مجازی است.

برنامه نگاه کنیم، این لایحه فصل‌محور و بخش‌محور است. اگر می‌خواهیم لایحه بودجه مسئله‌محور باشد باید اول صورت‌مسئله را تعریف کنیم. نمی‌توان راه‌حلی برای مسئله‌ای که تعریف ندارد و ابعاد آن معلوم نیست، جست‌وجو کرد. لایحه بودجه مشتمل بر تمام فصل‌ها و بخش‌های فعالیت در ایران است و می‌توان آن را لایحه بودجه جامع نامید؛ اما لایحه بودجه باید جامع و مانع باشد و اگر اعتقاد به مسئله‌محوربودن قانون برنامه هفتم توسعه است، باید اول مسئله‌ها را تعریف کرد و سپس اولویت‌ها و سپس اشخص و همراه آن توانایی‌ها را احصا کرد و الا نوشتن یک سایه بلندبالا به‌عنوان برنامه، کار هر میزبانوبس و رونویس‌کار و ماشین فتوکپی نمی‌تواند است. قبول کنیم که تقریبا تمام مطالبی که درباره هدر دادن ثروت کشور در فوق اشاره شد، حاصل سیاست‌های پوپولیستی بوده است. اگر عزمی در کار باشد، باید سیاست‌ها تغییر کرد. مردم اگر دورنمای کشور را شایسته ببینند، از راه‌ل‌های مورد نظر استقبال می‌کنند و الا برنامه هفتم چون برنامه ششم در قفسه‌ها خاک خواهد خورد و نمتنها به توسعه نخواهیم رسید، بلکه از نقطه نظر توسعه‌ه هرچه بیشتر فاصله خواهیم گرفت و تنها توسعه را در ساختمان‌های بلند و مظاهر شهری و برج‌ها و باروها خواهیم دید و میراث ما برای آیندگان، حسرت توسعه پایدار است که برای نسل‌های بعد باقی خواهد شد.

اخبار برگزیده

چرا تنها دونلی نواز ایران نابینا شد؟



شیرمحمد اسپندار، سرشناس‌ترین دونلی‌نواز ایران، به علت ابتلا به آب‌مروارید و تشخیص نادرست پزشکی، بینایی خود را از دست داد. الله‌بخش اسپندار، فرزند شیرمحمد اسپندار، در گفت‌وگویی با ایسنا خبرهای منتشرشده درباره نابیناشدن پدرش در دهه ۹۰ زندگی خود را تأیید کرد و توضیح داد که پدرش پیش از اینکه بینایی خود را به‌طور کامل از دست بدهد، تنها ۲۵ درصد توانایی بینایی داشته است. البته بنا بر گفته‌های الله‌بخش اسپندار، پدرش بیماری‌های زمینه‌ای هم داشته که این امر در تشدید تضعیف بینایی او اثرگذار بوده است. در حقیقت قبل از اینکه پدرش به علت مشکلات بینایی در زاهدان تحت عمل جراحی قرار بگیرد، از آب‌مروارید رنج می‌برده که منتهای این بیماری به علت تشخیص نادرست پزشک به آب‌سیاه تبدیل شده است و در نهایت جراحی نیز نتوانسته بینایی او را نجات دهد. شیرمحمد اسپندار تحت پوشش بیمه هنر است، اما همان‌طور که الله‌بخش اسپندار می‌گوید، این بیمه مزایای خاصی برای آنها ندارد و برای درمان او از بیمه تحت پوشش فرزندش استفاده می‌شود. استاد شیرمحمد اسپندار در سال ۱۳۰۶ هجری خورشیدی در بمپور بلوچستان متولد شد. در نوجوانی برای پیداکردن کار به پاکستان رفت و در سال ۱۳۳۷ پس از کسب تجربه در زمینه موسیقی به ایران بازگشت. او یک نوازنده معمولی نیست؛ مردی است که موفق به کسب دکترا افتخاری موسیقی سنتی از کشور فرانسه شده و تنها کسی است که می‌تواند ساز «دونلی» را بنوازد.

دونلی‌زدن به این معناست که هنرمند بتواند دو نی را هم‌زمان در دهان بگذارد و بنوازد. دونلی، ساز محلی منطقه سیستان‌بلوچستان است و شیرمحمد اسپندار هم با نگاه‌کردن از روی دست یک نفر دیگر، ناوختن را یاد گرفت؛ اما همان یک نفر هم چند سال پیش از دنیا رفت و اکنون تنها شیرمحمد به‌عنوان دونلی‌نواز ایران باقی مانده است.

اصفهان میزبان «عاشقانه‌های ناصر چشم‌آذر»



رهبر کنسرت نوستالژی عاشقانه‌های ناصر چشم‌آذر گفت: «آثار زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر به فرد یا افرادی در داخل یا خارج از کشور اختصاص ندارد، بلکه این قطعات مردمی، ملی و میهنی هستند و مردم به لحاظ بار فنی، علمی و نوستالژیک، به آنها علاقه دارند.» آرمین قیبطاسی، مدیر هنری و رهبر این ارکستر، در گفت‌وگو با ایسنا و درباره قطعات نواخته‌شده در کنسرت «نوستالژی عاشقانه‌های ناصر چشم‌آذر» اظهار کرد: این مجموعه که مجوزهای آن صادر شده، شامل آثار نوستالژیک زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر است. البته بخشی از این کنسرت به آهنگ‌هایی اختصاص دارد که توسط این آهنگ‌ساز برای برخی از فیلم‌ها ساخته شده بود و در این کنسرت هم‌زمان با اجرای این آهنگ‌ها بخش‌هایی از فیلم‌ها نیز روی پرده نمایش داده می‌شوند. او افزود: سایر آثاری که در این کنسرت اجرا می‌شوند، شامل قطعات با کلام و بی‌کلام ناصر چشم‌آذر است که من نیز موفق به کسب دو مجوز برای دو قطعه جدید از این آهنگ‌ساز شده‌ام. همچنین بخش اعظم کنسرت، آثار بی‌کلام ناصر چشم‌آذر است؛ چراکه علاقه‌ای که مردم به بخش بی‌کلام نشان می‌دهند بسیار بیشتر از آثار باکلام است.

این هنرمند گفت: اگرچه تعدادی از اعضای ثابت کنسرت «نوستالژی عاشقانه‌های ناصر چشم‌آذر» بانوان هستند، اما این کنسرت در اصفهان فقط با حضور آقایان عضو گروه اجرا خواهد شد؛ ضمن اینکه اعضای کنسرت همگی جزء شاخه‌تشد‌های ارکستر ملی ایران و ارکستر سمفونیک تهران هستند.

رهبر کنسرت نوستالژی عاشقانه‌های ناصر چشم‌آذر که این قطعات مردمی، ملی و میهنی هستند؛ از این‌رو از مدیران و مسئولان تقاضا می‌کنم این آثار را به شخص یا اشخاصی مرتبط نکنند؛ چراکه مردم به لحاظ بار فنی، علمی و نوستالژیک، به آنها علاقه دارند.

به گزارش ایسنا، کنسرت نوستالژی عاشقانه‌های ناصر چشم‌آذر با رهبری آرمین قیبطاسی و خوانندگی مهدی یغمایی، امروز پنجشنبه (۱۸ خرداد) در دو سانس ۱۹:۳۰ و ۲۲:۳۰ در سالن سیتی ستر اصفهان برگزار می‌شود.